

شهیندخت کامران مقدم - معلم دانشسرای عالی

خواجهر رشیدالدین فصل الله همدانی وفصلی از جامع التواریخ

مآخذ و منابع

- ۱- تاریخ مغول . عباس اقبال . ۴۸۷-۴۹۰
- ۲- تاریخ و صاف . و صاف الحضرة . ۵۳۸-۵۳۹
- ۳- برای دانستن شرح مفصل زندگانی خواجهر رشیدالدین بکتاب بلوشه بعنوان مقدمه جامع التواریخ رشیدی مراجعه شود .

Introduction a l'Histoire des mongols

- ۴- جامع التواریخ « وقایع زمان هلاکو تا فتح بغداد » طبع کاترمر ۱۸۴۷ . ۲۰ . پاریس
- ۵- جامع التواریخ « از اوگتای تا تیمور » طبع بلوشه ۱۹۱۱ . ۲۰ .

پاریس

- ۶- جامع التواریخ « غزنویان . دیالمه . آل بویه » احمد آتش
۱۹۵۷ . م . آنکارا .
- ۷- جامع التواریخ « آل سلجوق » احمد آتش ۱۹۶۰ . م . آنکارا
- ۸- جامع التواریخ « تاریخ هند - چاپ عکسی » طبع کارل یان
۱۹۶۵ . م . لاهه .
- ۹ . جامع التواریخ - بهمن کریمی . ۲ جلد از روی لتهای « پاریس ،
لندن ، پترزبورگ » ۱۳۳۸ شمسی
- ۱۰- جامع التواریخ « تاریخ فرقه رفیقان و اسماعیلیان الموت » به
کوشش محمد دبیرسیاقی . تهران ۱۳۳۷ شمسی .
- ۱۱- جامع التواریخ « اسماعیلیان و فاطمیان » محمد تقی دانش‌پژوه و
محمد مدرس زنجانی ۱۳۳۸ شمسی .
- ۱۲- جامع التواریخ - ایرج افشار . راهنمای کتاب ۱۳۳۷ ۷۰-۷۲
- ۱۳- علم در عهد مغول - محمد تقی بهار - باختر ۱۰ « ۱۳۱۲ »
۱۱۹-۱۲۵
- ۱۴- رسائل فارسی رشیدالدین فضل‌الله . مهدی بیانی - مهر ۸
(۱۳۳۱) و ۵۴۹-۵۵۲ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱۵- یادداشتهای مرحوم قزوینی بر جامع التواریخ با اهتمام منوچهر
مرتضوی . نشریه دانشکده ادبیات تبریز ۱۲ « ۱۳۳۹ »
- ۱۶- آثار تاریخی تبریز . جلال همائی . مهر ۱۰ « ۱۳۱۲ »
۲۱۴-۲۱۲
- ۱۷- جامع التواریخ « تصحیح احمد آتش » مجتبی منبوی . مجله
دانشکده ادبیات تهران . ح - ۷ ش ۴ (۱۳۳۵) - ۱-۵۱
- ۱۸- مهمترین جامع التواریخ مصور . مهدی بهرامی . یادگار - ح ۲
ش ۶- (۱۳۲۴) ص ۵۹-۶۸

خواجه رشیدالدین فضل‌الله طیب همدانی از چهره‌های تابناک تاریخ بعد از اسلام و از مورخین و سیاستمداران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. وی در سال ۶۴۸ (۱ هجری در همدان به دنیا آمد موفق - الدوله و پدرش عمادالدوله همدانی بود.

موفق‌الدوله همراه با **خواجه نصیرالدین طوسی** مدتی از عمر خود را در قلعه الموت گذرانده بود و پس از فتح قلاع اسماعیلیان به وسیلهٔ هلاکو وی نیز به هلاکو پیوست.

رشیدالدین در آغاز جوانی در شهر همدان به طبابت پرداخت و بزودی نبوغ وی در این کار ظاهر گردید و موفقیتی به دست آورد و شهرتی کسب کرد؛ تاجائی که طبیب مخصوص **آباقاخان** گردید و از همین هنگام بود که مدارج ترقی را پیمود و از راه طبابت سلاطین مغول پایهٔ وزارت او گذاشته شد.

در زمان سلطنت غازان خان پس از قتل صدرجهان (صدرالدین زنجانی) وزیر او، **خواجه رشیدالدین و سعدالدین محمد مستوفی** مشترکاً به وزارت رسیدند.

قبل از به وزارت رسیدن وی صدرالدین که از ترقی روزافزون او بسیار بیمناک بود، چندین بار کوشید که ذهن سلطان را نسبت به او بدبین سازد و وسائل قتل او را فراهم آورد، اما عاقبت این دسیسه‌ها گریبانگیر خود او شد و در ۲۲ رجب سال ۶۹۷ وی را از میان به دونیم کردند.

از این زمان چهرهٔ رشیدالدین در سیاست درخشانتر می‌شود و در تمام مدت سلطنت غازان خان؛ **خواجه رشیدالدین** در منصب وزارت باقی می‌ماند.

پس از مرگ غازان خان و سلطنت سلطان محمد (اولجایتو) **خواجه** مقام وزارت خود را حفظ کرد. در این زمان است که وی در سلطنتی که

۱- سال ولادت او در هیچ مأخذی بطور صحیح ذکر نشده و در کتاب بیان الحقایق خود او چنین آمده: «امسال که سال ۷۱۰ هجری است من شصت و دو سال دارم.»

پایتخت جدید یا خانان بود رشیدیّه را بنا کرد، که دارای مسجدی باشکوه، مدرسه، کتابخانه، بیمارستان و قریب هزار خانه و مؤسسات خیریه دیگر بود.

وی در **شنب غازان** تبریز نیز ابنیه بسیاری که به «**ربیع رشیدی**» معروف گردید بنا کرد و در آنجا علاوه بر مدرسه و بیمارستان و کتابخانه و دیگر مؤسسات خیریه؛ مقبره‌ای نیز برای خود ساخت.

در سال ۷۱۱ بدستور اولجایتیو خواجه **سعدالدین ساوجی** به قتل رسید و خواجه **علیشاه گیلانی** به جای وی به همکاری رشیدالدین فضل‌الله برگزیده شد.

علیشاه مردی مغرور و فرومایه بود و تحریکات شدیدی علیه رشیدالدین آغاز کرد.

در آغاز دسیسه‌های او در سلطان محمد مؤثر واقع نگردید اما وی توانست پس از مرگ اولجایتیو و به سلطنت رسیدن **ابوسعید بهادر** در سال ۷۱۶ ه از آنهمه کوشش نتیجه بگیرد.

سرانجام رشیدالدین در زمان ابوسعید از سیاست کنار گذاشته شد.

در سال ۷۱۸ در زمان سلطنت ابوسعید خواجه رشیدالدین را در سن هفتاد سالگی به اتهام سهل‌انگاری و اهمال در مداوا و معالجه و احیاناً مسموم کردن اولجایتیو به مرگ محکوم کردند.

ابتدا فرزند ۱۶ ساله او **ابراهیم** را در برابر دیدگان مردی که سالها به مغولان خونخوار خدمت کرده بود اعدام و سپس خواجه هفتاد ساله را به دو نیم کردند.

پس از مرگ وی بستگان او نیز مورد سرکوبی قرار گرفتند و اموال و دارائی او مصادره و کتابهایش سوزانیده شد و در ربیع رشیدی، غارت **بازگنج حیم**.

نه تنها **بازگنج حیم** بلکه **مؤلف تاریخ تبریز** در کتاب خود می‌نویسد:

« به عقیده من حصار سراها و عمارت در ربیع رشیدی، تا دوره صفوی

باقی بوده و لشکر کشی عثمانی‌ها به تبریز و وقوع زلزله بنیان «ربیع رشیدی» را برانداخته است.

در تاریخ عالم‌آرای عباسی به تفصیل راجع به قلعه‌سازی شاه عباس در «ربیع رشیدی» نوشته شده است و در کتاب روضات الجنان (۱) که تاریخ مزارات و مقابر متبرکه تبریز است مقبره خواجهرشیدالدین را در «ربیع رشیدی» ذکر کرده و دور نیست که پس از کشته شدن خواجهر او را به تبریز آورده باشند و در زیر گنبدی که در وقف‌نامه «ربیع رشیدی» آنجا را برای دفن کردن خود و فرزندانش تعیین کرده به خاک سپرده باشند.

مورخین قضاوت‌های مختلفی در حق رشیدالدین فضل‌الله ابراز کرده‌اند. جمعی او را مردی شریف و عالی‌قدر می‌دانند که بناحق شهید شد؛ عده‌ای وی را در ردیف سایر وزرای دوره مغول قرار می‌دهند، که برای پیشرفت مقاصد خود و پیروزی بر رقبای سیاسی از هیچ‌گونه کاری روگردان نبودند. اما آنچه مسلم است وی مردی دانش‌پرور بود و قدر و مقامش بیشتر بواسطه تألیفات متعدد و بخصوص کتاب جامع التواریخ است که بی‌تردید یکی از اعظم کتب تاریخی به زبان فارسی است.

علاقه او به کار تعلیم و تربیت چنان بود که علاوه بر همدارسی که در شهرها می‌ساخت، پیوسته مدرسه‌سیاری از خیمه‌های کرباسی همراه اردو داشت. علاوه بر کتاب بزرگ جامع التواریخ که خواجهر سنی داشت معلومات تاریخی آن زمان را در آن بگنجانده آثار متعدد دیگری نیز از او بجاست. از آنجمله‌اند:

۱- کتاب الاحیاء والاثار : در کشاورزی و معدنیات و آب و هوا (که مفقود شده است).

۲- مفتاح التفاسیر : در بیان فصاحت قرآن و خیر و شر و اجتناب تناسخ و مقدمه مانندی است که بر تفسیر کبیر خود نوشته است.

۳- الرسالة السلطانیة : مسائلی مربوط به خصال پادشاه اسلام و ماحصل مباحثات مهم کلامی که مابین علمای وقت اتفاق افتاده.

- ۴- لطائف الحقایق : در احوال خود نویسنده با شرح رؤیائی که برای مؤلف روی داده و حضرت رسول را به خواب دیده است .
- ۵- بیان الحقایق : مشتمل بر ۱۷ رساله در کلام و پزشکی بخصوص در مورد معالجه سرخجه و آبله .
- ۶- مجموعه مکاتبات رشیدی یا جامع التصانیف الرشیدیّه
- ۷- توضیحات : شامل ۱۹ مرسله در مسائل کلامی و عرفانی و از آنجمله تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن است .
- ۸- تنسوق نامه : « کتاب طب اهل ختا »
- ۹- گویا يك کتاب جغرافیا یا نقشه نیز که در توضیحات رشیدی به آنهم اشاره شده است .
- ۱۰- کتاب سیاسات و تدبیر پادشاهی بر حسب آنچه عادت ایشان است . از این کتاب نسخه‌ای دیده نشده فقط نام آن در فهرست مجموعه مصنفات رشیدالدین در ابتدای توضیحات رشیدیّه آمده است .
- خواجه که گویا از عاقبت کار خود بیمناک بود در زمان حیات در تکثیر و استنساخ کتب خود بسیار کوشید اما با همه کوشش وی بسیاری از آثارش پس از مرگ تاراج شد و از میان رفت . (۱)
- جامع التواریخ رشیدی یکی از مشهورترین تاریخهای عمومی ایران و جهان محسوب می‌شود . این کتاب علاوه بر تاریخ ایران و اسلام ، اطلاعاتی پیرامون تاریخ هند ، چین ، فرنگ ، افرنج ، و اقوام مغول ، ترک و ایغور به خواننده می‌دهد .
- بعلاوه جامع التواریخ را باید دوره کاملی از تاریخ و جغرافیای آسیا دانست ؛ زیرا اطلاعات دقیقی که این کتاب در بر دارد در کمتر کتابی یافت می‌شود و قسمت مربوط به مسالك و ممالك جامع التواریخ متأسفانه مفقود شده است .
- بخش مورد نقد ما درباره حسن صباح است که خود قسمتی از بخش بزرگی است که شامل تاریخ فاطمیان مصر و رفیقان صباحی در ایران می‌گردد . این بخش از سودمندترین و جالب‌ترین قسمت‌های کتاب بزرگ جامع التواریخ می‌باشد .
- (ادامه دارد)

۱- مؤلف تاریخ و صاف مجموع مؤلفات خواجه را ده جلد هر جلدی ۲۰۰ من عدل که مجموع آن سه هزار ورقه باشد معین کرده است .